

سیری در مکاتب و دیدگاه‌های جغرافیای شهری

• صدیقه احمدی

حال واحد جغرافیایی و اجتماعی تکامل‌پذیر است که با تأثر از ایدئولوژی ناظر بر ناحیه، که توان کاربرد نیروهای اقتصادی و اجتماعی را روی شهر مشخص می‌دارد، و به مقتضای دیدگاه‌های شهرسازان، جامعه‌شناسان، معماران، جغرافی‌دانان بر پهنه زمین و روی محیط طبیعی شکل می‌گیرد و در مسیر زمان بر پویایی فضایی - مکانی خود تداوم می‌یابد. شهرگرایی به عنوان پدیده جهانی در مرحله‌ای از سرعت‌یابی است که می‌توان گفت جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم «جهان شهری» است که لازمه آن دوری از محیط طبیعی و پذیرش عدم تعادل‌هایی است که از روابط ناموزون انسان‌ها و فضای شهری منشأ می‌گیرد. چنین تکامل‌شتابان شهری با همه نتایج نامطلوب، نظر متخصصان و کارشناسان نظام‌های علمی و فنی مختلف را به سوی خود جلب کرده است و بر همین مبنا، استاد فقید، دکتر حسین شکویی در کتاب دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری به بحث و بررسی این دیدگاه‌ها که بیشتر نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی را با توجه به ساخت‌های شهری مطرح می‌کند، پرداخته است. استاد فقید در تدوین این کتاب سعی کرده در اغلب موارد نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جهان سوم و جغرافیای شهری کشورهای جنوب را بررسی نماید و تحولات علم جغرافیا از ابتدا تا سال ۱۹۹۳ را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. در اینجا مختصری از نظریات مطرح شده در کتاب ارائه و بازگویی می‌شوند:

در فصل اول کتاب، بعد از تعریف جغرافیای شهری و تحولات آن و بیان انواع مطالعات در جغرافیای شهری، سطوح تحلیلی در جغرافیای شهری تجزیه و تحلیل می‌شود. در این فصل بیان می‌شود که دست یافتن به مرزهای ثابت در جغرافیای شهری امکان‌پذیر نیست و جغرافیای شهری به یک دانش میان رشته‌ای نزدیک‌تر است. بدین منظور همگرایی و تقارب جغرافیای شهری مطرح می‌شود. از این رو مدل‌های آن همواره در مسیر تغییر و تکامل است. همچنین در این فصل مسائلی چون جغرافیای شهری



دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول

نویسنده: دکتر حسین شکویی

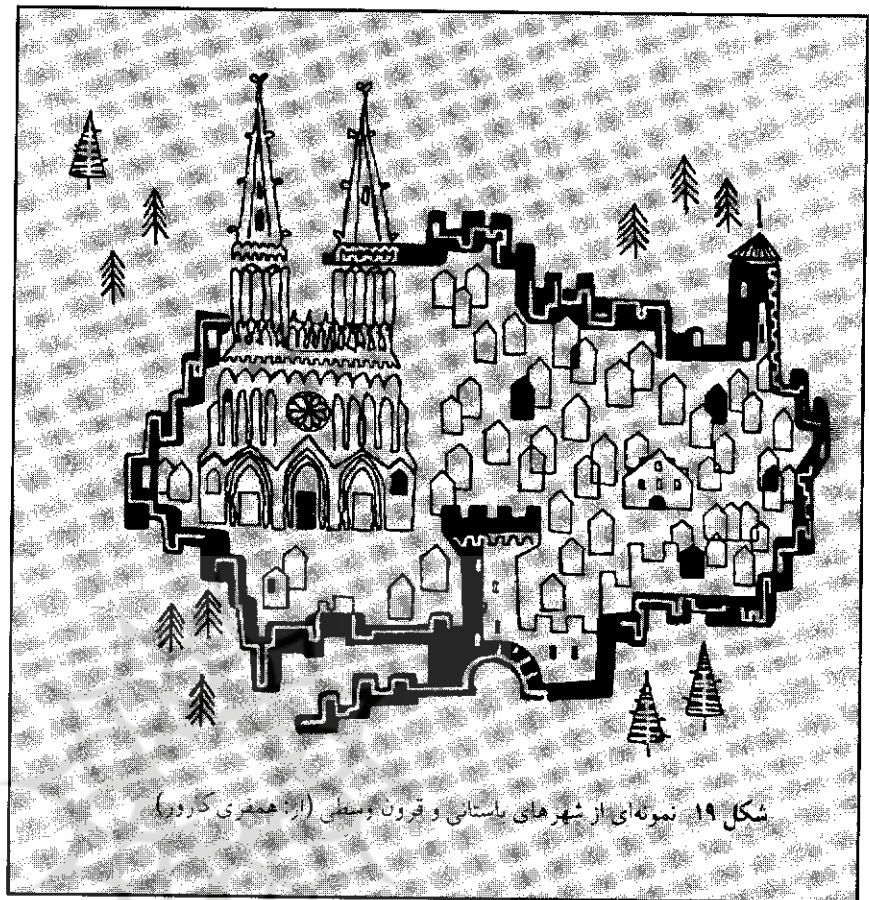
ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها

(سمت)، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ۵۶۸ ص، ۹۰۰۰ ریال

برای جغرافی‌دان امروز، مسائل شهر نه تنها از جنبه چشم‌انداز آن مطرح است؛ بلکه عوامل اقتصادی و اجتماعی و دیدگاه‌های اندیشمندان بعضی علوم دیگر، بسیار اساسی است. اهمیت سلامت روابط اقتصادی و اجتماعی شهر، در مقصودی که بر شهر و شهرنشین مترتب است به هیچ روی از اهمیت بصری آن کمتر نیست. جغرافیدان و شهرساز فاقد دیدگاه و برنامه و برنامه‌ای که بدون توجه به عوامل اقتصادی و اجتماعی طرح شده باشد، بی‌ارزش، سطحی و ناقص است. جغرافیدان و شهرساز باید از ایجاد رابطه بین زندگی و شهر، سلامت اقتصادی و اجتماعی شهر، مظاهر بصری و رابطه‌ای که بین عوامل مختلف شهر باید به وجود آید، آگاه باشد. چون شهر اثر ماندگار تاریخی و در عین

اهمیت سلامت روابط
اقتصادی و اجتماعی شهر،
در مقصودی که بر شهر و
شهرنشین مترتب است
به هیچ روی از اهمیت
بصری آن کمتر نیست

جغرافیدان و شهرساز
فاقد دیدگاه و برنامه و
برنامه‌ای که بدون توجه
به عوامل اقتصادی و
اجتماعی طرح شده باشد،
بی‌ارزش، سطحی و
ناقص است



شکل ۱۹ - نمونه‌ای از شهرهای باستانی و قرون وسطی (از: همفری کاردور)

نویسنده در این فصل همچنین به کمبود تحقیقات و کتاب‌های جغرافیای شهری در کشورهای جهان سوم اشاره می‌کند و تحلیل مهمی از شهرهای جهان سوم ارائه می‌دهد. او معتقد است یکی از علل پیشرفت جغرافیای شهری در کشور چین، مطالعاتی است که جغرافیدانان امریکایی، انگلیسی و کانادایی و صاحب‌نظران و محققان بانک جهانی درباره شهرهای چین انجام داده‌اند.

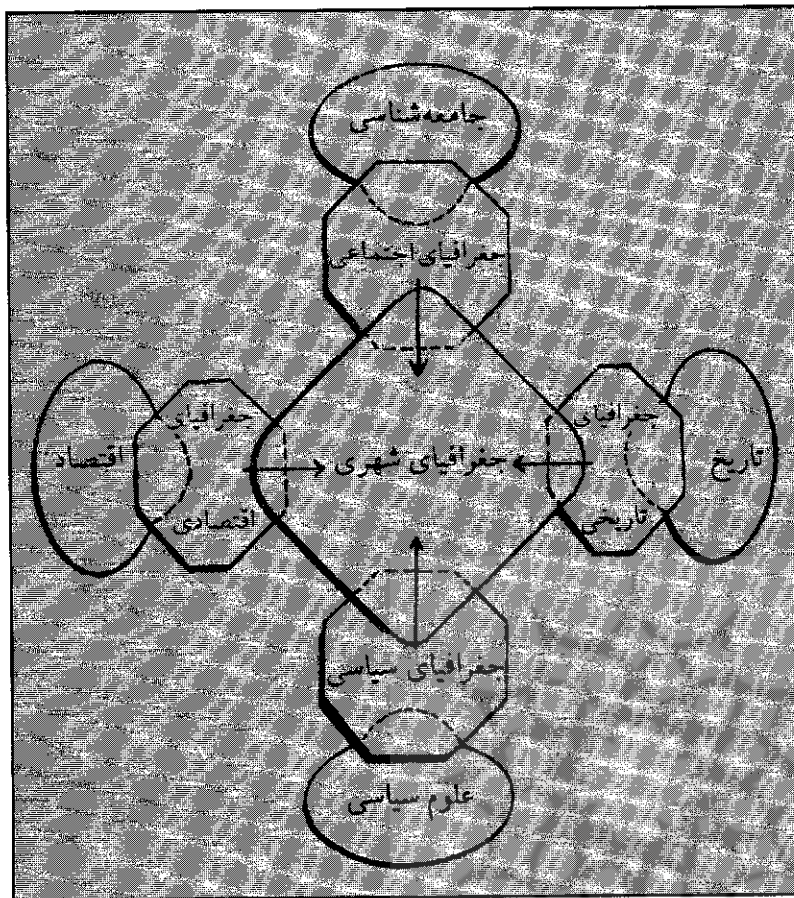
در فصل سوم موضوع شهر و مفاهیم شهری مطرح می‌گردد و با طرح ملاک‌های تمایز شهر از روستا، مفاهیمی چون شهرنشینی و شهرگرایی و تفاوت‌های میان شهر و شهرک و ویژگی‌های شهرهای جهان سوم و عوامل مؤثر در ساخت الگوهای فضایی در شهرهای بزرگ را بیان می‌دارد. در این فصل ویژگی بخش مرکزی شهرها که از آن به عنوان قلب شهرها یاد می‌شود مطرح می‌گردد و نمونه‌هایی از بخش مرکزی شهرهایی چون لندن، نیویورک و توکیو مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«منطقه گذار»، از دیگر موضوعات این فصل است. این منطقه بین بخش مرکز تجارت شهر و واحدهای مسکونی بخش میانی شهر قرار دارد و به طور سنتی از مرکز خرده‌فروشی شهر جدا می‌گردد. از دیگر ویژگی‌های

و تاریخی و محورهای مورد تأکید در برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل دوم سیر تکوینی جغرافیای شهری یعنی زمانی که مطالعات شهری رنگ جغرافیایی به خود می‌گیرد، بررسی می‌شود. از مسائل مطرح شده در این فصل، ورود مباحث محیط‌گرایی به جغرافیای شهری است.

گرفیت تیلور، از جغرافیدانان قرن بیستم مفاهیم محیط‌گرایی را به حوزه عمل جغرافیای شهری نزدیک‌تر ساخت و عوامل محیط طبیعی را در موقع، محل استقرار و توسعه شهرها دخالت داد. وی عامل بارندگی را از عوامل تعیین کننده در شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های انسانی می‌داند. نویسنده همچنین نظریات بعضی از جغرافیدانان را درباره موقع، رشد و پراکندگی فضایی سکونت‌گاه‌های شهری مطرح می‌کند. یکی از این جغرافیدانان، ژرژ کهل است که می‌توان گفت برای اولین بار در تاریخ علم جغرافیا، روابط متقابل ساخت‌های فضایی و ساخت‌های اجتماعی شهرها را به صورت علمی تبیین کرد. همچنین در این قرن علم جغرافیا با عنوان علم اکولوژی انسانی مطرح می‌شود و جغرافیدانان به مکتب جدیدی با ابعاد گسترده توجهی‌کنند



شهرگرایی به عنوان پدیده جهانی در مرحله‌ای از سرعت‌یابی است که می‌توان گفت جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم «جهان شهری» است که لازمه آن دوری از محیط طبیعی و پذیرش عدم تعادل‌هایی است که از روابط ناموزون انسان‌ها و فضای شهری منشأ می‌گیرد

استاد فقید دکتر شکویی در تدوین این کتاب سعی کرده در اغلب موارد نظریه‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم بر جهان سوم و جغرافیای شهری کشورهای جنوب را بررسی نماید

فصل پنجم به بررسی زندگی شهری در دوره‌های تاریخی می‌پردازد. اولین پایگاه تفکر در منشأ پیدایش شهرها، «مکتب جبر جغرافیایی» است که راتزل از بنیانگذاران آن به شمار می‌رود.

دومین پایگاه تفکر، نظریه «پخش‌گرایی» است که در علوم اجتماعی و مردم‌شناسی مورد تأکید قرار گرفته است. سومین پایگاه تفکر جغرافیایی مورد توجه در قرن نوزدهم، پایگاه «انقلاب و تکامل» است.

از نظریه‌های برجسته در علل پیدایش شهرها می‌توان به نظریه هیدرولیک یا مبنای محیط‌گرایی، نظریه‌های اقتصادی، نظریه شهر به عنوان پایگاه نظامی و دفاعی و نظریه مذهبی اشاره کرد. نویسنده بعد از بررسی علل پیدایش شهرها ساخت شهرهای یونانی، رومی، زندگی شهری و مسائل آن در قرون وسطی، مورفولوژی شهرهای دوره رنسانس را بازنگری می‌کند. به نظر نویسنده در دوران رنسانس همه نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزان و نویسندگان به زندگی مطلوب انسان می‌اندیشیدند و در نهایت گام اول را در آرمان‌شهر جست‌وجو می‌کردند تا به عقیده خودشان شأن و مقام انسان در زندگی ارتقاء یابد. ساخت شهرهای استعمارزده و آیتده اقتصادی این شهرها از دیگر مسائل

این منطقه، وجود گتوهای مذهبی، قومی و زبانی در بعضی از کشورهاست.

مسئله مهاجرت‌های روستایی نیز از مسائل مطرح شده در این بخش است. این مهاجرت باعث می‌شود تغییراتی در وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهاجران و کل جامعه به وجود آید. نویسنده در پایان این فصل به مفهوم مگالوپلیس و مشخصات این مفهوم می‌پردازد.

در فصل چهارم مکتب‌های جغرافیای شهری با دید کلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مکتب‌های ساختارگرایی، اقتصاد کلاسیک لیبرالیسم و رادیکالیسم، اکولوژی شهری، مکتب شیکاگو، مکتب نئواکولوژیک، نظریات مطرح شده در این مکاتب و بزرگان و اندیشمندان آنها از موارد بررسی شده در این فصل است.

همچنین در این فصل مدل سیاست شهری مطرح می‌گردد. این مدل توسط براين بوی در روند برنامه‌ریزی ارائه می‌شود. اصول تشکیل‌دهنده این مدل، سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان‌های برنامه‌ریزی دولتی و داده‌ها و تأثیرات نیروهای خارجی است. در پایان این فصل به نقش مهم دولت‌ها در شکل‌گیری فیزیکی و اجتماعی شهرها اشاره می‌شود

نظریه وابستگی که به وسیله آندره گوندر فرانک (Andre Gunder Frank) در سال ۱۹۶۷ و سامیرامین (Samiramin) در سال ۱۹۷۶ مطرح شد مهم‌ترین نگرش به سیستم جهانی شهرهاست که در آن تسلط مادرشهرهای کشورهای توسعه یافته (کانون) بر سیستم شهری کشورهای در حال توسعه (پیرامون)، تحت تأثیر استعمارگرایی مورد بررسی عمیق قرار گرفت

فصل، موضوع مورفولوژی شهری و مکتب‌های مورفولوژی شهری مورد بررسی قرار گرفته است. مورفولوژی شهری مطالعه نظام یافته (سیستماتیک) از تکوین، رشد، فرم، طرح، ساخت، کارکرد و توسعه شهر با توجه به ساخت‌های اجتماعی و اقتصادی است.

در فصل هشتم به وابستگی‌های فضایی در روابط شهر و روستا پرداخته شده است. در این فصل نظریه فن تونن و انتقادهایی که بر آن وارد شده، مورد بررسی قرار گرفته است. از دیگر عناوین این فصل می‌توان به سیاست‌های برنامه‌ریزی و روابط شهر و روستا، برخورد غیرمستقیم شهر با زمین‌های کشاورزی، توسعه کشاورزی و مهاجرت‌های روستایی و شهر به عنوان منبع وجه‌رسانی به روستاها، به عنوان مرکز خرید تولیدات کشاورزی اشاره کرد.

از نظریات بررسی شده در روابط شهر و روستا نظریه مایکل لیپتون است که تأثیر نفوذ مؤثر شهر بر روستا را مورد تحلیل قرار داده است. او می‌گوید: امروزه در کشورهای فقیر دنیا برخوردهای طبقاتی، نه میان نیروی کار و سرمایه و نه میان منافع خارجی و ملی است، بلکه میان طبقات روستایی و طبقات شهری صورت می‌گیرد. شاید اعتبار اصلی نظریه لیپتون در این است که برای جریان مازاد روستایی به سوی شهرها اهمیت بیشتری قائل است.

«سیستم شهری»، موضوع فصل نهم کتاب است. «سیستم شهری» آرایشی است از شهرهایی که در یک فضای معین و در ارتباط با هم از طریق تحرک‌های جمعیتی، جریان کالا، افکار و عرضه خدمات گسترده می‌شوند و سازمان می‌یابند. این عوامل نیروی حیاتی و محرکه سیستم شهری هستند که آن را پویا می‌سازند. بدین ترتیب هیچ شهری نمی‌تواند به صورت منفرد و مجزا و بدون روابط متقابل با دیگر شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی به حیات خود ادامه دهد. نویسنده معتقد است که سیستم‌های شهری سیستم‌های باز محسوب می‌شوند یعنی با محیط‌های بیرون از محدوده خود ارتباط دائم دارند. از مسائل مطرح شده در این فصل به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد: بررسی عوامل مؤثر در آینده سیستم‌های شهری،

مطرح شده در این فصل می‌باشد. این شهرها اکثراً در کشورهای در حال توسعه توسط بهره‌کشی‌های استعماری عقب‌نگه داشته شده‌اند و در امر توسعه به سیر قهقرایی گرفتار هستند.

متروپلیس (metropolis) یا مادرشهر از مفاهیم مطرح شده در فصل ششم است. این شهر از نظر مرکزیت دولتی و فعالیت‌های اقتصادی یا فرهنگی بر دیگر سکونت‌گاه‌ها برتری دارد. در این فصل مسائلی چون حومه‌های شهری، متولدین خارجی، پایگاه زنان، اقتصاد، توسعه فیزیکی و الگوهای فضایی مادرشهرها مورد توجه قرار می‌گیرد. همچنین شکل‌های گسترش شهرها که شامل شکل گسترده، کهکشانی، هسته‌ای، ستاره‌ای و حلقه‌ای است به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته و به نقش واسطه‌های تجاری و سیستم جهانی مادر شهرها اشاره می‌گردد.

نظریه وابستگی که به وسیله آندره گوندر فرانک (Andre Gunder Frank) در سال ۱۹۶۷ و سامیرامین (Samira-min) در سال ۱۹۷۶ مطرح شد مهم‌ترین نگرش به سیستم جهانی شهرهاست که در آن تسلط مادرشهرهای کشورهای توسعه یافته (کانون) بر سیستم شهری کشورهای در حال توسعه (پیرامون)، تحت تأثیر استعمارگرایی مورد بررسی عمیق قرار گرفت.

فصل هفتم با عنوان «منطقه‌بندی و مورفولوژی شهری» تدوین شده است. تقسیم یک شهر به مناطق ویژه با مرزهای معین برای نقش‌پذیری هریک از این مناطق را «منطقه‌بندی شهری» می‌گویند که در واقع استفاده منطقی و نظام‌پذیر از زمین‌های شهری در آینده بلندمدت است. در این مبحث عوامل مؤثر در منطقه‌بندی، اهداف و مشخصات منطقه‌بندی، چگونگی تهیه نقشه منطقه‌بندی مطرح شده است.

طرح‌های جامع شهری، چگونگی توسعه شهر را در ۲۰ سال آینده مشخص می‌کند. برای تهیه این طرح‌ها مطالعات جمعیتی، بررسی‌های اقتصادی، بررسی کاربری زمین، مطالعات خانه‌سازی، بررسی حمل و نقل شهری، اوضاع طبیعی و توسعه شهر لازم و ضروری می‌باشد. در پایان این

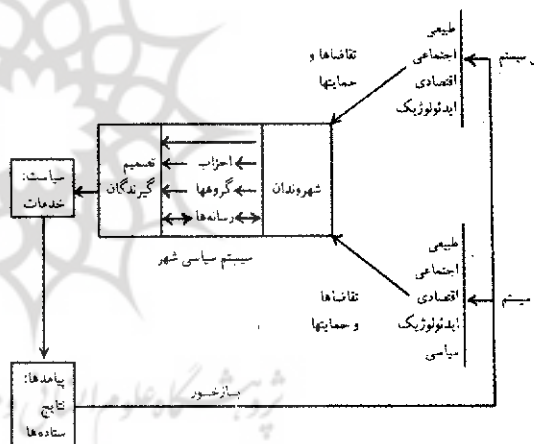
می‌توان گفت ژرژ کهل برای اولین بار در تاریخ علم جغرافیا، روابط متقابل ساخت‌های فضایی و ساخت‌های اجتماعی شهرها را به صورت علمی تبیین کرد

یک سیستم منطقی تعیین شد و با طرح این نظریه سازمان فضایی سیستم اقتصادی یکی از اساسی‌ترین بخش‌های تحقیقات جغرافیایی شناخته شد. نویسنده در پایان به کم و کاستی‌های نظریه کریستالر اشاره می‌کند. وی خاطرنشان می‌کند: مطالعات انجام شده در شهرهای برخی از کشورهای در حال توسعه، کم‌وکاستی‌هایی را نشان می‌دهد و در کمتر ناحیه‌ای فاصله‌های برابر میان مراکز سکونت‌گاهی دیده می‌شود؛ در حالی که کریستالر، نظریه خود را در جنوب آلمان در یک حوزه یکنواخت و با توجه به فاصله‌های برابر مطرح کرده‌است.

در فصل دهم تمرکززدایی و سیستم‌های سکونتی تشریح شده است. تمرکز فضایی به معنای توزیع جغرافیایی درآمدهای دولتی، صنایع، تجارت و جمعیت در یک یا چند مکان معین است که نتیجه آن به وجود آمدن نابرابری‌های ناحیه‌ای در همه شرایط زندگی خواهد بود. نویسنده معتقد است که برای جلوگیری از این نابرابری‌ها می‌توان از دو روش تمرکززدایی فرصت‌های اشتغال که عمومی‌ترین و کارسازترین سیاست فضایی کشورها محسوب می‌شود و همچنین از توسعه کارساز مادرشهرها استفاده کرد. در این فصل به ایجاد پایتخت‌های جدید برای تمرکززدایی نیز اشاره شده است. نویسنده در بررسی سیاست‌های فضایی و مدل‌های توسعه بیان می‌کند که در هر برنامه‌ریزی ابتدا باید بر توسعه اجتماعی - اقتصادی ملی (کل جامعه) تأکید گردد، سپس به برنامه‌ریزی‌های شهری و ناحیه‌ای پرداخته شود. از طرفی هر نوع سیاست فضایی باید با برنامه‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی ملی پیوند یابد.

فصل یازدهم به نظریه‌های اجتماعی و شهرگرایی اختصاص دارد. در این فصل عناوینی چون نظریه‌های جوهری در جغرافیای شهری، نظریه‌های تبیینی، نظریه‌های مربوط به شیوه کار که با محیط زیست شهری ارتباط دارد، اقتصاد شهری، قدرت بوروکراسی و مسائل شهری، نظریه سیکل زندگی شهرها و محله‌های شهری به چشم می‌خورد. یکی از موضوعات مهمی که به آن پرداخته شده، موضوع اقتصاد نفت و تأثیر آن بر روی شهرهای

پویایی سیستم‌های شهری، سیاست دولت‌ها و سیستم شهری، عوامل مؤثر در سیستم‌های شهری کشورهای جهان سوم. در مطالعه سیستم‌های برخورد کارکردی بیش از همه در علوم سیاسی به کار گرفته می‌شود. در برخورد کارکردی بر کارکرد (نقش) بیش از ساخت سیستم تأکید می‌شود و کل سیستم بیش از اجزاء و بخش‌های آن مورد نظر است.



در این فصل همچنین نظریه مکان مرکزی والتو کریستالر به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسنده معتقد است که یکی از علمی‌ترین ساخت سکونت‌گاه‌ها که در بیشتر موارد، برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها و نواحی را تحت تأثیر قرار داده، نظریه والتو کریستالر است. هدف اصلی نظریه مکان مرکزی، شرح و تبیین سازمان فضایی سکونت‌گاه‌ها و حوزه نفوذ آنهاست. نویسنده با بررسی فرضیات و اصول نظریه کریستالر مفاهیمی چون آستانه و حوزه نفوذ کالا و خدمات در نظریه مکان مرکزی را تشریح می‌کند. وی معتقد است که با طرح نظریه کریستالر برای اولین بار موقع، پراکندگی جمعیت، حوزه نفوذ خدمات و کالاهای تولیدشده در شهرها و دیگر سکونت‌گاه‌ها در یک نظام سلسله مراتبی قرار گرفت و میزان اهمیت شهرها و سکونت‌گاه‌ها در داخل

از نظریه‌های برجسته در علل پیدایش شهرها می‌توان به نظریه هیدرولیک یا مبنای محیط‌گرایی، نظریه‌های اقتصادی، نظریه شهر به عنوان پایگاه نظامی و دفاعی و نظریه مذهبی اشاره کرد

شخصیت خانوادگی و پایگاه‌های مذهبی و نژادی اساس کار را تشکیل می‌دهد. از این رو باید منطقه واحدهای مسکونی باتوجه به عوامل فوق در یکی از الگوهای سه‌گانه زیر بررسی شود: ۱- ساخت قطاعی (محوری) ۲- ساخت دایره‌ای ۳- ساخت چندهسته‌ای. نویسنده با بررسی و تجزیه و تحلیل انواع نظریه‌های ساخت شهر بیان می‌دارد که نظریه‌های مطرح شده را نمی‌توان در یک شهر به طور کامل به کار برد زیرا هر شهری مورفولوژی خاص خود را دارد ولی می‌توان از آنها به عنوان خطوط اصلی مطالعه و شناخت ویژگی‌های شهرهای مختلف استفاده نمود. هر یک از این نظریه‌ها واقعیت‌هایی را نشان می‌دهد اما در بعضی از آنها باید تعدیل و تغییر صورت گیرد. در هر حال منطقی است که اصول بررسی‌های مربوط به ساخت شهر بر مدار زیرصورت‌گیرد

۱- تأکید بر علل اختلاف فضای مناطق داخلی شهرها
۲- دقت در تأثیر این تضادها در ظهور الگوهای داخلی شهرها

تحقیقات مربوط به ساخت شهر در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که در همه شهرها نمی‌توان از الگوی واحدی تبعیت کرد یا نظریه معینی را به کار برد. با وجود این برخی از این مطالعات نشان می‌دهند که همواره بین مدت فاصله از مرکز شهر با قیمت زمین، تراکم وسایل نقلیه، تراکم جمعیت و واحدهای مسکونی، میزان شرارت‌های جوانی، میزان استفاده بخش تجارت از زمین‌های شهری، توسعه عمودی شهر و... یک نوع رابطه و وابستگی وجود دارد.

نویسنده در پایان یک نتیجه‌گیری کلی از مباحث کتاب به عمل آورده و بیان می‌دارد که برای شناخت و ارزیابی یک شهر انسانی باتوجه به جامعه شهری بررسی عوامل و شرایطی از جمله انسان‌گرایی، اندیشه‌گرایی، میراث فرهنگی و طبیعی، جهت‌گیری فرهنگی و بین‌المللی، آموزشی، علمی، اقتصادی، محیطی، ارتباطات، تأمین امکانات بهداشتی و درمانی، روح اجتماعی و عدالت اجتماعی، ضروری است.

جهان سوم و اقتصاد سیاسی زمین - مسکن و دو قطبی شدن شهرهای کشورهای صادرکننده نفت است. از دیگر موضوعات مهم این فصل پرداختن به مسائل شهرهای جهان سوم و موضوعات مهمی چون تقسیم بین‌المللی کار و شهرهای جهان سوم، سیستم اقتصاد جهانی و شهرگرایی در کشورهای جهان سوم، اقتصاد سیاسی مهاجرت‌های روستایی و تجددطلبی در شهرهای جهان سوم است. از جمله نظریه‌های مطرحی که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته می‌توان به نظریه دوگانگی شهری، نظریه شهرهای مسلط، نظریه استعمارگرایی و شهرهای مسلط و نظریه حد مطلوب جمعیت شهر اشاره کرد. در بررسی نظریه حد مطلوب جمعیت شهر، نویسنده بیان می‌دارد که: بیشتر محققان و متفکران محیط زیست شهری شهر سالم و قابل زندگی را با معیارهای جمعیتی ارزیابی می‌کنند و همه پدیده‌ها و مسائل شهری را ناشی از میزان جمعیت می‌دانند. البته نمی‌توان برای همه کشورها یک حد مطلوب جمعیت تعیین کرد زیرا معیارهای انتخابی برای کیفیت زندگی شهری، میزان درآمد، سهم بخش عمومی و خصوصی در بهبود کیفیت زندگی شهری و میزان نحوه توزیع خدمات در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. باتوجه به این شرایط باید گفت که جمعیت شهری فی‌نفسه مسأله‌آفرین نیست، بلکه نارسایی‌های موجود در شهرها نتیجه تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اشتباه یا غیرمنطبق بر شرایط اکولوژیک شهست

فصل دوازدهم با عنوان ساخت اکولوژیک شهر شامل نظریه‌های مختلف درخصوص چگونگی شکل‌گیری ساخت شهری است. از جمله موارد مطرح شده می‌توان به نظریات ارنست برگس (ساخت شهر به صورت دوایر متحدالمرکز)، همس هویت (ساخت قطاعی)، کالوین اشپید (ساخت شهر با بررسی‌های آماری)، چاشنی هریس و ادوارد اولمن (ساخت چندهسته‌ای) رابرت دیکسون (ساخت عمومی شهر) و جیمز وانس (ساخت منطقه واحدهای مسکونی) اشاره کرد. در تحلیل اجتماعی - اقتصادی ساخت مناطق مسکونی شهرها، سه عامل پایگاه اقتصادی افراد، پایگاه و